

دانش ما درباره توسعه باید به روز شود

پیوندهای ماقبل و مابعد الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت



محمدعلی ابوترابی

همین دلیل الگوهای جدید مانند «الگوی توسعه پایدار» حتی در بُعد اقتصادی خود نیز به عوامل اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی توجهی ویژه دارند. علاوه بر این، توجه به عواملی از قبیل توزیع درآمد، بهبود سطح زندگی، سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب، آزادی مدنی و... نشان‌دهنده توجه نظریات جدیدتر توسعه غربی به مسائل غیرمادی است.

۲. توسعه غربی به معنویت توجه دارد. این هم یک برداشت نادرست دیگر است که گفته می‌شود الگوی توسعه غربی با فروکاستن سهم مفاهیم معنوی تا حد صفر، تنها مفاهیمی مانند پول، مبادله، نفع، بهره، رانت، درآمد، سرعت گردش نقدینگی و... را مورد توجه قرار داده است. این گزاره تنها در بُعد اقتصادی نظریات توسعه غربی قدیمی‌تر می‌تواند مصادق داشته باشد. در الگوهای جدید توسعه غربی نیز به انسان و مسائل معنوی وی توجه می‌شود؛ اما صرفاً در این جهان. به‌عنوان مثال، شرکت در شبکه‌های اجتماعی، مراکز مذهبی، فعالیت‌های خیریه و... به‌عنوان عوامل بهبوددهنده سرمایه اجتماعی تلقی می‌شود.

۳. افق توسعه غربی، این جهان است. این برداشت از توسعه غربی که «توسعه در غرب فقط توجه به بعد مادی است، ولی توسعه در اسلام علاوه بر برطرف نمودن نیازهای مادی، به نیازهای معنوی انسان نیز توجه دارد»، محل اشکال است. جهان‌بینی اسلامی «بر سه اصل مهم توجه به مبدأ و معاد، جدا نبودن دنیا از آخرت و نگاه اسلام به انسان تأکید دارد». به زعم نویسندگان، تفاوت الگوی توسعه غربی و اسلامی در جهان‌بینی آن‌هاست، نه بی‌توجهی به نیازهای معنوی بشر؛ بنابراین، یکی از چالش‌های توسعه غربی، «بی‌توجهی به مبانی وحیانی [است] و گریز از مابعدالطبیعه عقلی یقینی را بدون هیچ دلیل و توجیهی پیشاپیش مفروض گرفته‌اند».

۴. پرهیز از سیاه‌نمایی یا «سفیدسازی» دستاوردهای توسعه غربی. برای نمونه، برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که «در تلقی غربی، شاخص و محور تحلیل درباره توسعه، جامعه است؛ یعنی جامعه است که باید توسعه پیدا کند و بعد از آن، انسان‌های جامعه نیز باید بر همان اساس، توسعه شخصیتی پیدا کنند». درحالی‌که در نظریات توسعه مبتنی بر توسعه انسانی، اندیشمندان غربی بر این باورند که مکانیسم دست‌یابی به توسعه در یک جامعه آن است که آن جامعه ابتدا انسان‌های توسعه‌یافته تربیت کنند و سپس این انسان‌های توسعه‌یافته رها شوند (laissez passer) و آزاد گذاشته شوند تا جامعه‌ای توسعه‌یافته را بنا نهند یا در مثالی دیگر، این گونه مطرح می‌شود که در شهرهای اروپایی که توسعه را به‌عنوان یک ساختار پذیرفته‌اند، نشانی از طبیعت نیست. در نقطه مقابل این بحث، یکی از ملاک‌های انسان توسعه‌یافته در نگاه امروز غرب، احترام به طبیعت است؛ چنان‌که اهمیت دادن به محیط‌زیست در کشورهای غربی توسعه‌یافته به مراتب افزون‌تر

تا کنون مباحث متعدد و ارزشمندی توسط اساتید برجسته و اندیشمندان علمی درباره الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مطرح شده است. برخی از دیدگاه‌ها موافق طراحی و تبیین چنین الگویی توسط صاحب‌نظران توسعه در ایران هستند و برخی دیگر مخالف. نکته مهمی که وجود دارد و کمتر بدان توجه می‌شود آن است که تدوین الگوی توسعه در نهایت باید یک فرآیند علمی را طی کند و در نتیجه لازم است تا جایگاه آن در پیوند با گذشته (چه از بُعد نظری و چه از بُعد تجربی) و نیز با آینده (چه از بُعد تعمیم‌پذیری، آزمون‌پذیری و بومی‌سازی و چه از بُعد مقبولیت عمومی و جهان‌شمولی) به خوبی تبیین گردد. در همین راستا، نوشتار حاضر تلاش می‌کند تا با مرور نقادانه نظراتی که تا کنون مطرح شده، نگاهی گذرا به پیوندهای ماقبل و مابعدی داشته باشد که لازم است در طراحی الگوی توسعه وطنی به آن‌ها توجه شود.

جوامع شرقی در برخورد با نظریات علمی غربی، سه راهکار متفاوت را می‌توانند اتخاذ کنند: ۱. «برخورد انفعالی» که به معنای پا جای پای غرب گذاشتن بدون هیچ کم و کاستی است؛ ۲. «برخورد تهاجمی» که هر نظریه یا نگاه وارداتی غربی را تهاجمی هدفمند و ویرانگر به ارزش‌های خود تلقی می‌کند و بر خود لازم می‌داند که سخت‌ترین برخورد را با آن اعمال کند و ۳. «برخورد تعاملی فعال» که سعی دارد در کنار بهره‌مندی از قوت‌های آن نظریه غربی برای شکوفایی فرصت‌های ملی خود، از نقاط ضعف این دیدگاه‌ها که زیرساخت‌های آن جامعه را تهدید می‌کند، بر حذر باشد.

پیوندهای ماقبل

تعبیر ما از پیوند ماقبل، به این نکته مهم اشاره دارد که نظریات توسعه غربی دارای برخی نقاط قوت بوده و نیز برخی تجربیات مثبت را در عرصه عمل به همراه داشته است که برای کشورهای اسلامی در حال توسعه می‌تواند فرصت قلمداد شود. توجه عمیق و جدی به این پیوندهای ماقبل به‌منظور پرهیز از شکست خوردن الگوی طراحی شده یا در بهترین حالت، ابداع مجدد چرخ، ضروری می‌باشد.

۱. توسعه در دیدگاه غربی صرفاً نگاهی کمی نیست. این تحلیل که اگر فقط راجع به خود توسعه صحبت کنیم، به معنی بُعد اقتصادی آن، عاقبتش مرگ است و توسعه (که از آن تعبیر به بیشتر داشتن کمی می‌شود)، باعث از بین بردن منابع زمین و همچنین از بین رفتن تعادل بین انسان و محیط طبیعی می‌شود، با تعبیر و تفسیر جدید غرب از توسعه سختیت ندارد. توسعه مفهومی کمی و کیفی است. به